



سال نهم / پاییز ۱۳۹۹

## نقش سرمقاله‌های روزنامه باختر امروز در ملی شدن صنعت نفت

• عباس اسدی<sup>۱</sup>

• مسعود فرج‌الهی<sup>۲</sup>

DOR: [20.1001.1.38552322.1399.9.36.1.9](https://doi.org/10.1001.1.38552322.1399.9.36.1.9)

### چکیده

مقاله حاضر نحوه ملی شدن صنعت نفت در سرمقاله‌های روزنامه باختر امروز به قلم حسین فاطمی را بیان می‌کند. این پژوهش با روش گفتمان انتقادی و استخراج مفاهیم و مقولات مورد نظر در سه سطح توصیف، تفسیر و تبیین نشان می‌دهد که مفهوم ملی شدن صنعت نفت در سرمقاله‌های باختر امروز چگونه مفهوم‌پردازی شده است و گفتمان حاکم بر مفهوم‌پردازی را با گفتمان رقیب ارزیابی کرده است. براین اساس سعی شد تا سرمقاله‌هایی که به موضوع تحقیق نزدیک بود و بیشترین نقش را در بازنمود گفتمان حاکم داشت به صورت هدفمند انتخاب شوند؛ چون روش نمونه‌گیری هدفمند است و بهتر می‌تواند پاسخگوی اهداف و سؤالات تحقیق باشد.

نتایج نشان داد راهی که گفتمان روزنامه باختر امروز برای تحقق ملی شدن صنعت نفت ترسیم می‌کند، از خلال مبارزه جهادی و کودتای نفتی می‌گذرد. تا جایی که ملی شدن صنعت نفت ذیل واژه‌های مانند دموکراسی، عدالت، قانون و حق حاکمیت تئوریزه می‌شود. ملی شدن صنعت نفت در گفتار روزنامه باختر امروز حول حق مردم، ثروت ملی، حقوق ملی، عدالت و استقلال-آزادی می‌چرخد و در چارچوب قانون باید این حقوق به رسمیت شناخته شود؛ لذا «دیگری» در روزنامه باختر امروز دشمنان، جاسوسان، خیانتکاران و استعمارگرانی‌اند که ثروت ملی ایران را غارت می‌کنند.

**واژگان کلیدی:** ملی شدن صنعت نفت، گفتمان، باختر امروز، حسین فاطمی، سرمقاله.

<sup>۱</sup> دانشیار گروه روزنامه‌نگاری دانشگاه علامه طباطبائی (assadiabbas1@gmail.com).

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد علوم ارتباطات اجتماعی؛ گرایش روزنامه‌نگاری (نویسنده مسئول).

## طرح مسئله

ملی شدن صنعت نفت در دهه سی برهه‌ای حساس از تاریخ ایران است. درباره صنعت نفت و ملی شدن آن، کتاب‌ها و مقالات زیادی چاپ شده است یا در آینده خواهد رسید. آنچه مهم است تأثیرگذاری برخی افراد کلیدی در این رویداد مهم تاریخی است. محمد مصدق که نقش راهبری جریان ملی شدن نفت را به عهده دارد، در یادداشتی پس از تیرباران حسین فاطمی توسط رژیم پهلوی دوم (محمدرضا شاه) می‌گوید: «اگر ملی شدن صنعت نفت خدمت بزرگی است که به مملکت شده، باید از آن کسی که اول این پیشنهاد را نمود، سپاسگزاری گردد و آن، شهید راه وطن حسین فاطمی است که روزی در خانه جناب آقای نریمان پیشنهاد خود را داد که عمده نمایندگان جبهه ملی حاضر در جلسه، آن را به اتفاق آرا تصویب نمودند. رحمه‌الله علیه که در تمام مدت همکاری با این جانب حتی یک ترک اولی از آن بزرگوار دیده نشد».

از این رو بر اساس یادداشت مصدق و برخی شواهد تاریخی مکتوب می‌توان به نقش حسین فاطمی در ملی شدن صنعت نفت اذعان داشت. برای پی بردن به این که تا چه حد حسین فاطمی در روند ملی شدن نفت تأثیر داشته است، باید به بررسی نوع نگاه و تفکر سیاسی او پرداخت. حسین فاطمی به لحاظ اینکه روزنامه‌نگار بوده و تمام مبارزات خود را از این منظر ابراز داشته است، لذا باید روزنامه او، *باختر/امروز* را از زمان تأسیس، یعنی ۸ مردادماه ۱۳۲۸ تا اردیبهشت ۱۳۳۰، در نظر گرفت. با بررسی این بازه زمانی روزنامه *باختر/امروز* و سرمقاله‌های فاطمی و احياناً مقالاتی علیه استعمار در دیگر صفحات موجود این روزنامه، می‌توان به نقش فاطمی در ملی شدن صنعت نفت پی برد.

بنابراین، محقق در این تحقیق به دنبال آن است که سرمقاله‌های روزنامه *باختر/امروز* را در بازه زمانی آذرماه ۱۳۲۹ تا اسفندماه ۱۳۲۹ (هم‌زمان با ملی شدن نفت) با روش تحلیل گفتمان، بررسی و ارزیابی کند تا زوایای نقش فاطمی، به‌ویژه تأثیر روزنامه *باختر/امروز* در ملی شدن نفت، مشخص شود.

## ملی شدن صنعت نفت و پیامدهای آن

هم‌زمان با خلع ید از دستگاه اداری شرکت در جنوب، از سازمان اداری کمپانی در تهران نیز خلع ید شد. روز ۹ تیر نمایندگان وزارت دادگستری و پلیس خانه ریچارد سدان را اشغال کردند و در آنجا به انبوهی از اوراق و اسناد محرمانه شرکت دست یافتند. بسیاری از اسناد مزبور در آتش سوزانده شده بود و در میان خانه سدان اسنادی نیز به دست آمد که نشان می‌داد

نخست وزیران، وزیران وکلای مجلس سنا روزنامه نگاران و شخصیت های کشور، با مقامات نفت و اداره اطلاعات آن ارتباط و همکاری داشتند. انتشار بخشی از اسناد خانه سدان در مطبوعات داخلی خشم مردم ایران را برانگیخت. فاطمی معاون نخست وزیر، در جلسه روز ۱۸ تیرماه، گزارش ناصر وثوقی دادیار دادسرای تهران در مورد چگونگی ضبط و رسیدگی به اسناد مذکور را برای استحضار نمایندگان به مجلس فرستاد. لندن که از افشاگری های خانه سدان نگران شده بود آن را تکذیب کرد و ادعا نمود که این اقدامات به منظور منحرف ساختن افکار عمومی بر ضد شرکت بوده است (نجاتی، ج ۱، ۱۳۷۷: ۳۲۲-۳۱۵). در این بین یکی از نمایندگان مجلس عوام انگلیس به دولت اظهار کرد که رویدادهای جاری در ایران بزرگترین تعارضها را در برابر کشورهای مشترک المنافع فراهم ساخته که احتمالاً تاکنون سابقه نداشته است و افزود: باید برای مقابله با مشکلاتی که بریتانیا در ایران با آن مواجه است، از کمک ملت های جامعه مشترک المنافع استفاده کرد. جنجال اسناد شرکت نفت در مجلسین و مطبوعات مورد بحث قرار گرفت و مقرر شد آنچه منطبق با قانون مجازات عمومی است به وسیله دادیاران دیوان کشور به محاکمه عمومی ارجاع کنند، ولی در نهایت نتیجه اعلام نشد.

در پی شکایت دولت انگلیس برای تشدید فشار بر ایران جلسه شورای امنیت در مهرماه ۱۳۳۰ برای رسیدگی به شکایت دولت انگلیس از ایران تشکیل شد. مهم ترین بحثی که در شورا مطرح شد صلاحیت آن در رسیدگی به شکایت انگلیس علیه ایران بود. مصدق خود با حضور در جلسات شورای امنیت گفت: ملی شدن صنعت نفت موضوعی است داخلی که با حاکمیت ملی ایران ارتباط دارد و رسیدگی به چنین موضوعی در صلاحیت دیوان داوری لاهه و شورای امنیت سازمان ملل نیست. در نتیجه مباحث شورا چنین تصمیم گرفته شد که بحث در این باره تا سازمان اعلام نظر دیوان داوری بین المللی لاهه در خصوص صلاحیت خود برای رسیدگی به مسئله نفت ایران مسکوت گذاشته شود. این دیوان نیز در نهایت به این نتیجه رسید که قرارداد ۱۹۳۳ قراردادی میان یک دولت و یک شرکت خارجی بوده است بنابراین صلاحیت خود را در خصوص رسیدگی به اختلاف پدید آمده سلب کرد (میرترابی، ۱۳۸۴: ۷۵-۷۴).

در این زمان به واسطه مشکلات مالی شدیدی که از عمران نفت برای کشور پدید آمده بود دولت مصدق دست نیاز به سوی مردم دراز کرد. در همین راستا اوراق قرضه ملی برای نخستین بار در تاریخ ایران انتشار یافت و ۷۰ میلیون ریال آن فروخته شد. با برگزاری انتخابات مجلس هفدهم، مجلس جدید در اوایل سال ۱۳۳۱ کار خود را آغاز کرد. مجلس جدید با اکثریت قاطع

به نخست‌وزیری مصدق رأی داد. اما وی برای مقابله با بحران اقتصادی به مدت ۶ ماه اختیارات فوق‌العاده درخواست کرد. از آنجاکه شاه با این درخواست مخالفت کرد، مصدق از پست خود استعفا داد. با کنار رفتن مصدق قوام سرکار آمد، اما تظاهرات گسترده‌ای که در سیام تیر به نفع مصدق و با حمایت رهبرانی همچون کاشانی صورت گرفت، قوام را مجبور به استعفا کرد و مصدق بار دیگر به عرصه بازگشت (تقی‌زاده انصاری، ۱۳۷۹: ۴۱۷-۴۱۶).

مردادماه ۱۳۳۱، دولت ایران از انگلیس خواست نسبت به پرداخت دیون شرکت نفت جنوب، خسارات ناشی از جلوگیری صدور نفت ایران و همچنین پرداخت مبلغ ۵۰ میلیون لیر طلب ایران که در ترازنامه شرکت به آن اشاره شده بود اقدام کند، ولی دولت انگلیس به کلی منکر طلب ایران شد. نتیجه این تبادل پیام‌ها قطع روابط سیاسی ایران و انگلیس در مهرماه ۱۳۳۱ بود که توسط دولت مصدق اعلام شد (ذوقی، ۱۳۷۴: ۲۸۲).

تصویب اساس‌نامه شرکت ملی نفت ایران، برای اداره امور صنعت نفت کشور در ۵ آذر از جمله اقدامات مهم مصدق به شمار می‌رفت. در این اساس‌نامه خط‌مشی مصدق در دو نکته مهم، یعنی نقش مجلس در حکومت و وضع اتباع بیگانه در کشور روشن می‌شد. در ۵ آذر ۱۳۳۱ هیئت نظارت صنعتی به منظور حسن اداره و توسعه و حمایت در صنایع کشور به ریاست وزیر اقتصاد ملی تشکیل شد. اعضای این هیئت عبارت بودند از: وزیر اقتصاد ملی و یا قائم‌مقام او و نمایندگان وزارت کار، سازمان برنامه، بانک ملی و یک نفر مطلع در امور صنعتی در شهرستان‌ها نیز هیئت‌های نظارت صنعتی تشکیل گردید که وظیفه آن‌ها نظارت در اوضاع فنی و مالی و اداره بهره‌برداری از کارخانه‌ها و کارگاه‌ها و حمایت و راهنمایی آن‌ها در مسائل مزبور بود. ماه بعد مصدق لایحه قانونی اکتشاف و بهره‌برداری معاون و برقراری روش واحد در استفاده از ذخایر معدنی را تصویب کرد. با تعطیل صنعت نفت و قطع درآمد آن، مصدق و یاران او چون فاطمی برنامه اقتصاد بدون نفت را پیشنهاد داده و در پیش گرفتند و به عنوان بخشی از برنامه مذکور، قانون تشویق صادرات و تولیدات را به تصویب رساندند. به موجب این قانون صادرکنندگان کالا از پرداخت عوارض داخلی و مالیات بر درآمد معاف می‌شدند. پس از چندی به منظور تشویق صادرات نیز بانک توسعه صادرات تأسیس شد تا انواع کالاهای صادراتی را با استانداردهای بین‌المللی تطبیق بدهد و در مورد بازارهای فروش خارجی، صادرکنندگان را راهنمایی کند (نجمی، ۱۳۷۷: ۹۳).

کار اختلاف و عدم توافق اصولی بر سر اجرای ملی شدن نفت و خلع ید از تأسیسات نفت جنوب موجب شد که دولت انگلیس شکایت خود را به شورای امنیت ببرد. پنجم مهرماه سال ۱۳۳۰ وزارت خارجه انگلیس طی اعلامیه‌ای تصمیم دولت ایران را در مورد اخراج کارکنان انگلیسی شرکت نفت از آبادان به عنوان تخلف از قرار تأمین صادره از سوی دیوان دادگستری بین‌المللی و حکم توسل به زور و مغایر اصل بین‌المللی اعلام کرد. دولت انگلیس همان روز، نامه‌ای به دبیرکل سازمان ملل فرستاد و در این نامه تقاضا کرد چون دولت ایران به قرار صادره از طرف دیوان بین‌المللی دادگستری توجه نکرده است، شورای امنیت، موضوع را قبل از اخراج کارمندان انگلیسی مورد رسیدگی قرار دهد و دولت ایران را ملزم به رعایت قرارداد موقت دیوان دادگستری کند. شورای امنیت سازمان ملل شکایت دولت انگلیس را در دستور کار خود قرار داد. سپس روز ششم مهرماه به دولت ایران اطلاع داد که سیاست نمایندگی ایران در جلسه شورای امنیت که بنا به تقاضای ایران در روز ۲۲ مهرماه تشکیل می‌شود، حضور یابد.

روز ۱۴ مهرماه ۱۳۳۰ مصدق در رأس هیئتی متشکل از سیدحسین فاطمی، حسین نواب، مظفر بقایی، الهیار صالح، سیدعلی شایگان و... عازم امریکا شدند. مذاکرات شورای امنیت در روزهای ۲۲ و ۲۳ و ۲۴ مهرماه ادامه داشت. روز ۲۴ مهرماه مصدق در بیانات خود چند سند از اسنادی را که از محل اقامت سدان نماینده شرکت نفت انگلیس در تهران به دست آمده بود قرائت کرد و چنین نتیجه گرفت که تمدید قرارداد داری به صورت قرارداد (۱۹۳۳) بر اثر فشار و تهدید به عمل آمد و چون امضاء کننده آن قرارداد (اشاره به اعتراف تقی‌زاده وزیر دارایی وقت در مجلس پانزدهم مبنی بر آلت فعل بودن) آزادی کامل نداشته، فاقد اعتبار حقوقی است، به‌علاوه شرکت نفت انگلیس همواره در امور داخلی ایران به‌طور مختلف مداخله کرده، کما اینکه به منظور جلوگیری از ملی شدن صنعت نفت، دست به اقدامات ناروایی زده است. دو روز بعد در ۲۶ مهرماه آخرین جلسه شورای امنیت بدون حضور هیئت نمایندگی ایران تشکیل شد و در آن اجلاس به پیشنهاد نماینده دولت فرانسه مبنی بر مسکوت ماندن شکایت دولت انگلیس تا اخذ تعلیم دیوان دادگستری بین‌المللی در زمینه رسیدگی به عرض حال دولت انگلیس اخذ رأی به عمل آمده و به تصویب رسید و تاریخ رسیدگی به شکایت انگلیس در تاریخ ۸ تیرماه ۱۳۳۰ تعیین شد. دولت ایران ضمن اعلام عدم صلاحیت دیوان، پاسخ‌نامه‌ای به عرض حال دولت انگلیس تهیه کرد و به وسیله هیئتی به آن دادگاه ارسال داشت. هیئت ایرانی، پس از عزیمت به شهر لاهه و قبل از تشکیل جلسه عمومی دادگاه با رئیس دیوان دادگستری

بین‌المللی به‌طور خصوصی ملاقات کرد و نظریات ایران را در مورد عدم صلاحیت دیوان در رسیدگی به عرض حال دولت انگلیس توضیح داد. هنگام تشکیل جلسه عمومی در ۱۳ تیر نیز اعضای هیئت در جایگاه تماشاچیان قرار گرفتند و در این جلسه دیوان دادگستری بین‌المللی حکم قرارداد تأمینی که به نفع انگلستان بود را صادر کرد. به موجب این قرارداد طرفین ملزم بودند تا اعلام رأی نهایی دادگاه از هر نوع اقدامی که به حقوق طرف دیگر لطمه وارد سازد خودداری کنند (نجمی، ۱۳۷۷: ۱۲۱-۱۰۱).

در ۱۹ خرداد دیوان دادگستری بین‌المللی برای رسیدگی به شکایت دولت انگلیس علیه ایران تشکیل جلسه داد و روز بعد پروفسور رولن دفاعیات خود را شروع کرد و دلایل مربوط به عدم صلاحیت دیوان را در رسیدگی، به دعای انگلیس عنوان کرد و گفت تصمیم به ملی کردن امری است مربوط به امور داخلی ایران و بر این نکته تأکید کرد که قرارداد سال ۱۹۳۳ میان دولت ایران و شرکت نفت انگلیس منعقد شده نه بین دولت بریتانیا و ایران نتیجه گرفت که رسیدگی به دعای بین دولت ایران و شرکت نفت انگلیس، خارج از حدود صلاحیت دیوان دادگستری بین‌المللی است. در نهایت دادگاه پس از دوازده جلسه رسیدگی به دعای طرفین وارد شود شد و ۲۲ ژوئیه ۱۹۵۲ م مصادف با روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ به عدم صلاحیت دیوان دادگستری بین‌المللی در رسیدگی به درخواست انگلیس رأی دادند. عجیب و شگفت‌آور آنکه قاضی انگلیس نیز به نفع ایران رأی داد (مصدق، ۱۳۶۹: ۸۳-۷۰).

خبر پیروزی مردم ایران علیه بیگانگان شامگاه سی‌ام تیر ۱۳۳۱ به تهران رسید، شاه نیز نتوانست در مقابل این پیروزی سکوت کند و طی پیامی این پیروزی را به ملت ایران صمیمانه تبریک گفت. در نهایت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ لایحه ملی کردن نفت ایران از تصویب مجلس شورای ملی سنا گذشته بود، شکل قانونی به خود گرفت. در تمام مراحل که صنعت نفت برای ملی شدن طی نمود علما و از جمله کاشانی نقش محوری و رهبری داشته‌اند. غیر از کاشانی مراجع دیگری نیز در شکل‌گیری نهضت ملی نفت نقش مهمی را ایفا کردند. سیدمحمدتقی خوانساری که از مراجع تقلید وقت بود، فتوای شرعی بر ضرورت ملی شدن صنعت نفت صادر کرد. دیگر مراجع تقلید هم‌چون صدر، حجت و فیض نیز فتاوی در همین زمینه صادر کردند و موجب هماهنگی توده‌های وسیعی از مردم مذهبی شدند و اگر فعالیت‌های کاشانی و مراجع عالی‌قدر نبود مصدق و جبهه ملی نمی‌توانستند در برابر فشارهای انگلیس و مخالفان داخلی ملی شدن نفت ایستادگی کنند. پیام‌هایی که ایشان در مقابل تحریکات انگلیس برای خلع ید و

کارشکنی در کارگران و کارمندان شرکت نفت صادر می‌کرد بیانگر آن بود که با حفظ اتحاد، اتفاق و انتظامات از دولت مصدق پشتیبانی کنند و از هرگونه اعتصاب که موجب اغتشاش شود خودداری و از دسایس و حيله‌های آن و سایر مفسدان پیروی نکنند.

وقتی دولت انگلیس در اولین اقدام خود در قبال ملی شدن نفت ایران، دولت مصدق را به مداخله نظامی تهدید کرد و چتربازان خود را به حالت آماده‌باش درآورد. کاشانی ضمن ارسال پیامی به مردم عراق که نیروهای انگلیس در آب‌های کشور آنان برای مقابله با ایران حضور یافته بودند از آنان خواست تا با نیروهای دشمن به مقابله برخیزند و طی بیانیه‌ای اعلام کرد در صورت تهدید نظامی انگلستان به ایران فتوای جهاد صادر خواهد کرد (نجمی، ۱۳۷۷: ۱۴۸-۱۴۷).

تیرماه ۱۳۳۱ مصدق برای مواجهه با مخالفان داخلی که در رأس آن دربار قرار داشت از شاه خواست تا پست وزارت جنگ را در اختیار وی قرار دهد و چون شاه نیز نپذیرفت مصدق استعفا کرد (کاتوزیان، ۱۳۷۸: ۲۲۳). بلافاصله پس از استعفای مصدق، شاه، قوام‌السلطنه را مأمور تشکیل کابینه کرد. قوام‌السلطنه طی اعلامیه شدیدالحنی به طرفداران نهضت ملی شدن نفت حمله کرد و تهدید به اجرای اعدام‌های دسته‌جمعی کرد. در پی آن آیت‌الله کاشانی از مردم خواست تا برای مقابله با قوام به میدان بیایند و اعلام کرد: به خدای لایزال، اگر قوام نرود اعلام جهاد می‌کنم و خودم کفن پوشیده، با ملت در پیکار شرکت می‌کنم. تلاش‌های دربار و نمایندگان قوام‌السلطنه در متقاعد کردن آیت‌الله کاشانی به نتیجه نرسید. کاشانی اعلام کرد: «اگر در بازگشت دولت مصدق اقدام نشود، آتش انقلاب را متوجه دربار خواهیم کرد» (نجمی، ۱۳۷۷: ۲۳۴).

در اولین ساعات روز ۳۰ تیرماه ۱۳۳۱ مردم تهران در محاصره نیروهای نظامی و انتظامی و تانک‌ها و زره‌پوش‌ها بی‌محابا به حرکت درآمدند و حماسه ملی و غرورآفرین خلق کردند. رشادت مردم تهران و سایر شهرهای کشور که منجر به شهادت تعدادی از آنها شد، موجب موافقت شاه با برکناری قوام شد و بار دیگر مصدق را به نخست‌وزیری منصوب کرد.

با روی کار آمدن مجدد مصدق، کاشانی به ریاست مجلس انتخاب شد و مصدق علاوه بر قدرت سیاسی و ریاست دولت با حفظ سمت وزارت جنگ را نیز بر عهده گرفت و از موقعیت مستحکمی برخوردار شد. به گفته فردوست شاه در این زمان بدون اجازه مصدق دست به اقدامی نمی‌زد (شهبازی، ج ۲، ۱۳۷۱: ۱۶۹).

اواخر اردیبهشت ۱۳۳۲ مصدق توانست سلطه خود را بر دربار افزایش دهد زیرا علاء را که در شمار وفاداران شاه بود برکنار کرد و فرد فرمان برداری، ابوالقاسم امینی، را به جای او گمارد. در این زمان برخی از هواداران و حامیان مصدق از جمله کاشانی از او بریدند، هنگامی که لایحه محدود کردن اختیارات شاه نسبت به نیروهای مسلح در مجلس به مرحله رأی گیری رسیده بود، مجلس دچار تشنج شد و کاشانی، رئیس مجلس، مصدق را متهم کرد که قانون اساسی را نادیده می گیرد. همچنین مسامحه و عدم تعقیب و مجازات مسببان کشتار مردم در سی ام تیرماه از سوی دولت و روی کار آمدن افرادی که از حسن سابقه برخوردار نبودند و اقدام مصدق مبنی بر انحلال مجلس هفدهم موجب گشت تا کاشانی یار پرنفوذ مصدق که همواره او را حمایت می کرد از وی کناره بگیرد (آوری، ۱۳۶۸: ۳۹۵-۳۹۴).

در چنین شرایطی رهبران نهضت که برای قطع دست استعمار از منافع ملی ایران تلاش می کردند و می خواستند که ایران خانه خویش را خود بسازد (جامی: ۱۳۶۷: ۱۷۷). در رویارویی با توطئه های خارجی در دسیسه چینی و مخالفان داخلی نتوانست اهداف نهضت را به ثمر برساند. صنعت ساختاری و بی کفایتی برخی از اعضای کابینه دولت، رقابت ها و قدرت طلبی ها، روند جدایی و بروز شکاف و تشتت سیاسی مانع از آن شد که بار دیگر مردم هم چون واقعه ای ۳۰ تیر در صحنه مبارزه حاضر شوند به همین ترتیب زمینه پیدایش کودتای ۲۸ مرداد آرام آرام فراهم آمد. یکی از عوامل مهم شکل گیری کودتای ۲۸ مرداد عوامل خارجی است موانع دولت آمریکا در قبال نهضت ملی نفت از سیاست حمایت و میانجیگری به تدریج به بهانه مقابله با نفوذ کمونیست ها در ایران، تبدیل به مداخله گری و توسل به عملیات براندازی کودتا شد. دولت وقت آمریکا در چارچوب رقابت های نفتی با انگلستان در خاورمیانه و سهم خواهی اش از نفت ایران، از قانون ملی شدن نفت پشتیبانی کرد (لوئیس و بیل، ۱۳۶۸: ۳۹)؛ زیرا این اقدام به انحصار شرکت نفت ایران و انگلیس پایان می داد، شرط حمایت آمریکا از ایران در این دوران که در جنگ سرد با شوروی به سر می برد، این بود که ایران به هر قیمتی متحد غرب باقی بماند. علاوه بر این آمریکا خواهان حفظ ثبات بازار نفت در جهان برای جلوگیری از بحران اقتصادی در کشورش بود (گاز یوروسکی، ۱۳۶۸: ۱۶۵).

این اهداف متضمن تضعیف دولت مصدق و براندازی او نبود با این حال مقامات رسمی آمریکا از اقدامات محرمانه انگلیس علیه دولت مصدق اطلاع داشتند، آن ها در این باره با همتای



انگلیسی خود بحث و تبادل نظر می کردند، انگلیسی ها به شرکت های نفتی آمریکایی اجازه ورود به امور نفتی ایران را دادند زیرا آن ها به همکاری آمریکا در اجرای طرح کودتا نیاز داشتند.

### روزنامه باختر امروز

روزنامه عصر- حسین فاطمی. روزنامه سیاسی تندرو، ارگان رسمی جبهه ملی. حسین فاطمی، سردبیر نصرالله شیفته. معروف ترین نشریه سال های ۳۲ - ۱۳۳۰. مدیر پس از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بنا به رأی دادگاه نظامی تیرباران شد (برزین، ۱۳۷۱: ۷۸).

سابقه این روزنامه به قبل از سال ۱۳۱۴ هـ ش برمی گردد. در سال ۱۳۱۲ مجله ای با عنوان باختر، ماهانه منتشر می شده است، در سال ۱۳۱۴ آقای سیف پور فاطمی به عنوان مؤسس و مدیرمسئول معرفی شده است، با انتشار شماره ۱۱ مورخ مهرماه ۱۳۱۴ دوره مجله پایان یافته و به جای آن روزنامه باختر منتشر شد. سال ۱۳۱۴ روزنامه باختر به مدیریت (نصرالله سیف پور) در اصفهان تأسیس و منتشر شده، روزنامه باختر ابتدا هفتگی و پس از مدتی هفته ای سه شماره انتشار می یافت تا اینکه قبل از شهریور ۱۳۲۰ هـ ش محل طبع آن به تهران انتقال یافت و به طور روزنامه منتشر شد. بعد از مدتی اداره روزنامه در اصفهان به عهده آقای حسین فاطمی برادر آقای نصرالله سیف پور واگذار گشت و مشارالیه روزنامه را در اصفهان و چه پس از انتقال به تهران اداره می کرد.

پس از آنکه باختر در تهران منتشر شد آقای سیف پور فقط سمت صاحب امتیاز روزنامه را داشت و باختر به مدیریت (آقای حسین فاطمی) منتشر گردید تا اینکه نامبرده هم عزیمت پاریس نمود و از آن پس دیگر روزنامه باختر منتشر نشد.

سیدحسین فاطمی در سال ۱۳۲۷ به ایران بازگشت و تصمیم گرفت روزنامه باختر را پس از دو سال تعطیل منتشر کند (صدرهاشمی، ۱۳۶۲: ۷۶).

باختر/ امروز اولین شماره خود را در نهم تیرماه ۱۳۲۸ هـ ش انتشار داد و تا ۲۷ مردادماه ۱۳۳۲ تداوم داشت و طی آن مدت ۱۱۷۴ شماره منتشر شد.

این روزنامه طی این مدت چند بار توقیف شد و به جای آن روزنامه های سرگذشت و باختر منتشر شدند. روزنامه از آغاز انتشار تا بیستم شهریورماه ۱۳۲۹ هـ ش با بهای یک ریال و پس از آن تاریخ با بهای یک ریال و نیم عرضه می شد. این نشریه در چهار صفحه که هر صفحه آن ۶ ستون داشت و با قطع ۳۴×۴۸ سانتیمتر به چاپ می رسید. مرکز اداری، تحریریه و انتشار در

تهران بود و چاپخانه تابان آن را چاپ می‌کرد. این روزنامه به‌طور یومیه به استثنای جمع‌ها و دیگر تعطیلات رسمی و زمان توقیف منتشر می‌شد.

### روش پژوهش

هدف تحلیل گفتمان این است که چگونه زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، تاریخی و اجتماعی بر ارتباطات (شامل معانی، محتوا، ساختارها، استراتژی‌ها) تأثیر می‌گذارد. با توجه به اینکه هدف این تحقیق بررسی مفهوم نهضت ملی شدن صنعت نفت در مطبوعه *باختر/امروز* از سال آذرماه ۱۳۲۹ تا اسفندماه ۱۳۲۹ است، لذا برای تحقیق پیرامون این مسئله، از روش تحلیل گفتمان انتقادی نورمن فرکلایف استفاده می‌شود. تحلیل گفتمان، رویکردی ساختاری به متن است که امکان اتصال متن به جنبه‌های جامعه‌شناختی را فراهم می‌کند. این روش برای پژوهش، کارایی آن برای تحلیل سیستماتیک ساختار محتوا در مطبوعات است و از آنجاکه در تحلیل گفتمان روش و نظریه در هم تنیده‌اند، لذا در این فصل سعی خواهیم کرد تا نحوه اجرای این روش (تحلیل گفتمان) را به تفصیل مورد بررسی قرار دهیم.

در این پژوهش برای بررسی مفهوم نهضت ملی شدن صنعت نفت در مطبوعات ایران در دوره نخست‌وزیری رزم‌آرا (۱۳۲۹) از میان همه سرمقاله‌ها - که در روزنامه *باختر/امروز* منتشر شده‌اند - به سرمقاله‌هایی که به‌طور خاص به مفهوم ملی شدن نفت پرداخته‌اند رجوع می‌شود. درواقع جامعه آماری ما شامل تمام سرمقاله‌های منتشرشده با مفهوم صنعت نفت در روزنامه *باختر/امروز* است.

نمونه‌گیری در تحلیل گفتمان نمونه‌گیری آماری نیست، بلکه این نمونه‌گیری، تحلیلی و مبتنی بر هدف، در واقع نمونه‌گیری از موارد برجسته است. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش، نمونه‌گیری هدفمند است؛ چراکه در تحلیل گفتمان، اساساً کیفیت حضور یا غیبت مفاهیم در متن، روش نمونه‌گیری هدفمند مورد نظر است. در این پژوهش روش نمونه‌گیری هدفمند بهتر می‌تواند پاسخگوی هدف‌های تحقیق باشد. درواقع سعی شده است که ابتدا تمامی متون یا سرمقاله‌های انتخابی در دوره تعیین‌شده، مطالعه و بررسی شود و سپس از میان تمام سرمقاله‌های روزنامه مورد بررسی (*باختر/امروز*) متن‌های را که جنبه نمونه معرف را داشته باشد یا بیش‌ترین نقش را در بازنمود گفتمان حاکم یا مسلط را داشته‌اند، انتخاب شوند.

## تحلیل گفتمان سرمقاله های روزنامه باختر امروز

## - متن اول

شماره مقاله	روز هفته	تاریخ نشر	عنوان سرمقاله
۴۵۷	یک شنبه	۲۹ بهمن ۱۳۲۹	«ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور» تنها شعاری است که مورد قبول ملت ایرانست.
<p><b>متن سرمقاله</b></p> <p>مبارزه با شرکت نفت به حساس ترین مراحل رسیده و این روزها مخصوصاً باید کمال مراقبت را به کار برد که این دستگاه شیطانی نتواند یک بار دیگر صفوف را بهم بریزد و از حس خودپرستی و سینه جلو دادن برخی از دستجات مغرور حداکثر استفاده را برگیرد و از تجزیه و تفکیک قوای ملی هیولای دیکتاتوری سرخ و سیاه را از دور به ملت ایران نشان دهد.</p> <p>آنهایی که دعوی مبارزه اصولی را دارند حق این بود که گزینه «خودپرستی» را فدای مصالح اجتماع می کردند و اجازه می دادند مبارزه های را که تمام مردم شروع کرده و به مقدار زیاد پیشرفت و موفقیت نصیبشان شده است بدون این که رنگ «حزبی» و مارک زورآزمایی «حرفا» را به خود بگیرد ادامه پیدا کند و تا زمانی که موفق به حصول نتیجه نهایی نشده است این احساسات شورانگیز ملی را نباید تخطئه کرد و در عوض اینکه تمام قوا برای ریشه کن ساختن قدرت پوشالی و متزلزل استعماری بکار افتد آتش اختلاف و تحریکات کودکانه را نباید دامن زد.</p> <p>یکی از اوراق منتسب به چپهای افراطی پرپرور ضمن تفسیر اخبار خود نوشته بود که «جبهه ملی در کار میتینگ جمعه کارشکنی می کند» و دلیل «کارشکنی» اینست که در همین ساعت در آرامگاه «محمد مسعود» یادبود سالیانه او را برگزار خواهند کرد. اکثر مدیران جرائد پایتخت که در جلسه هفتگی روزنامه «خبر» حضور داشتند مطلع هستند که تصمیم تجلیل سالیانه مدیر شهید «مرد امروز» روزی گرفته شد که هنوز جنگجویان جدید مخالف شرکت نفت پا به عرصه وجود نگذاشته بودند شاید هم در همان ساعت که در مهمانخانه «ریس» نطفه آن ها بسته می شد رفقای نامه نگارشان در اتخاذ این تصمیم ما شرکت داشتند.</p> <p>غرض از انتشار اینطور اخبار اگر اینست که مردم را گمراه کنید و «جبهه ملی» را غیر از آنچه هست به جامعه معرفی نمایید زحمت بیهوده متحمل شده اید زیرا ملت ایران از مبارزه خستگی ناپذیر ما علیه کمپانی غارتگر و غاصب آبادان کم و بیش آگاه است و دیده است که نه تنها در مجلس و مطبوعات وظیفه های را که در برابر وطن داشته ایم شرافتمندانه و جسورانه ادا کرده ایم بلکه شهر به شهر و محله به محله با تشکیل میتینگ های بزرگ و کم نظیر ده ها و صدها هزار هم میهن گرسنه و رنجور را در جریان مظالم و تجاوزات «شرکت» گذاشته از ایشان برای محو این آثار عدوان و خودسری کمک خواسته ایم.</p> <p>حرف جبهه ملی از این جهت بیشتر در مردم تأثیر داشت که ما هیچ وقت به نفع امتیاز بیگانه ای جمعیت در خیابان های تهران حرکت نداده ایم و برای اینکه از تقاضاهای «کافنارادزه» برای امتیاز نفت شمال تقویت شده باشد میتینگ و تظاهرات راه نینداخته ایم.</p> <p>دیروز مصدق به مجلس چهاردهم پیشنهاد داد که هیچ دولت حق دادن امتیاز نفت بدون کسب اجازه از پارلمان را ندارد و برای این کار بهانه اشغال دائمی شمال ایران را از جلو برداشت و امروز هم در پیشاپیش صفوف ملیون ایران برای خاتمه دادن به غارتگری نیم قرن «وراث داری» به جهاد طولانی خود ادامه می دهد. هیچ وقت «جبهه ملی» نخواست است افتخارات یک چنین مبارزه عظیم و اساسی را به خود اختصاص دهد زیرا گر افتخاراتی در این راه تحصیل می شود مربوط به ده ها هزار جوان دانشمند و اصناف و کارگران و رنجبر ایرانیست که خدمتگزاران خویش</p>			

را تقویت و تأیید می‌کند. در هیچ یک از شهرستان‌ها اساس میتینگ‌ها را «جبهه ملی» نریخته از اکثر آن‌ها وقتی خبردار شده که از طرف اهالی محل دعوت به شرکت در آن اجتماعات منظم و آبرومند برای ما می‌رسیده است. در شهر مقدس و مذهبی قم فقط بیست و چهار ساعت قبل از وقت به ما اطلاع رسید که تظاهرات عظیم اهالی بر ضد شرکت نفت و تقویت از «ملی شدن صنایع نفت در سرتاسر کشور» انجام می‌گیرد.

در شهر «اراک» که تا پنج‌سال پیش زندان انگلیس‌ها بود علی‌رغم تحریکات و تشبثات وکلای محل در زیر یک برف سنگین و سابقه بارندگی چند روزه هزاران نفر مردم دور و نزدیک در میتینگ عمومی شرکت جستند. در کرمانشاه که حوزه امتیازی داری است دو میتینگ بزرگ خود مردم ترتیب دادند و مأمورین دست نشانده محلی به حدی از این نهضت و جنبش اهالی وحشت زده شدند که مثل درنده‌ها به حبس و زجر افراد پرداخته بقوه نظامی و پلیس تظاهر کنندگان را متفرق کردند.

در قزوین - همدان - رشت و حتی شیراز و اصفهان اجتماعات ده هزار و پانزده هزار نفری تشکیل شد و از شعار ملی کردن نفت با کمال نظم و آرامش تقویت و حمایت کردند.

الان از چندین شهرستان کوچک و بزرگ از وکلا و روزنامه‌نگاران «جبهه ملی» دعوت شده که در اجتماعات آینده آن‌ها حضور به هم رسانند.

این صدا از حلقوم هر فردایرانی پاک نژادپرست که بیش از این نمی‌خواهد شاهد رنج و ناکامی و در بدری میلیون‌ها هموطن پریشان روزگار خود باشد.

اگر ده‌ها هزار کارگر ایرانی که در بدترین شرایط و تحت رژیم پلیسی محروم از ساده‌ترین وسیله زندگی در بدترین و کشنده‌ترین آب و هوای خوزستان به سر می‌برند اکنون نمی‌توانند در این اجتماعات و تظاهرات بی‌سابقه ملی شرکت کنند. برادران دیگرشان در تهران و ولایات همه جا با ما هم‌صدایی کرده خوب احساس نموده‌اند که فتح جهاد تاریخی تا چه حد برای آسایش و سعادت فردای آن‌ها اثربخش خواهد بود.

روشنفکران و دانشجویان و اصناف در تمام طول این مبارزه یک دقیقه از حمایت و پشتیبانی مؤثر خویش جبهه ما را بی‌نصیب نگذاشته‌اند و از همه مهم‌تر تعالیم و رهبری پیشوایان بزرگ مذهبی و دینی است که با شجاعت و صراحت کم نظیر مردانه در صف مقدم این جنگ وطنی قرار گرفته‌اند.

آیت‌الله کاشانی پیش‌قدم و زعیم واقعی این صف است و اقدامات عملی و راهنمایی‌های مفید و اساسی ایشان سبب شد که روحانیون بزرگ دیگر نیز از دور و نزدیک به تقویت جدی مبارزین بپردازند و فتوای آیت‌الله خوانساری و علمای معروف اصفهان و رشت بیش از پیش به اهمیت جهاد افزود و اینست که امروز می‌بینیم هیچکس از کوچک و بزرگ در ایران پیدا نمی‌شود که خواهان قطع ایادی بیگانه از ذخایر و ثروت ملی ما نباشد و در این راه بذل سعی و جانبازی نکند.

آیا رواست که بهانه و دستاویز به دست خودی و بیگانه داده شود که در مرکز و ولایات یک چنین رستاخیز تاریخی را به صورت تبلیغات چپ و راست جلوه دهند و مطلبی را که تا امروز در «کادر» اجتماع ایرانی می‌پر خیده در شمار اقدامات حزبی درآورند.

وقتی موضوع ملی کردن نفت «جنوب» را کسانی که دیروز به نفع «کافتارادزه» در تهران میتینگ داده‌اند بخواهند وسیله تظاهر و تجدید حیات کنند حرف مخالفین این خواهد بود که رقبای آن‌ها آتش بیار معرکه هستند و این عظمت و ابهتی را که جدال ملت ایران با شرکت غارتگر آبادان اکنون به خود گرفته به کلی از میان نرود لااقل وسیله «شانناژ» و سوءاستفاده مستعمره‌چی‌ها قرار خواهد گرفت.

اگر کسی پر نسیپ و عقیده داشته باشد حس خودفروشی و غرور را در خود می‌کشد و بیشتر به مقصود و هدف نهایی خویش متوجه می‌گردد.

مردم ایران این شوخی را باور نمی کنند، جمعیتی که هنوز یک هفته از تاریخ تشکیل آن نگذشته چگونه می تواند «میتینگ» ترتیب بدهد و چطور قادر است افراد و عناصری را دور خود جمع کند؟ آیا می ترسید از اینکه بگویید که یک حزب غیرقانونی در لوای نفت می خواهد جان و رمق پیدا کند و به قیمت خراب کردن مبارزه یک ملت دست به مانور میزند یا اگر گمان دارید ایرانی اینقدر احمق است که باور کند دور جمعیت «یک هفته ای» مردمی اجتماع می کنند و به سلامتی (شهداء کره) هورا می کشند خود را گول زده اید.

هیچ دسته و حزب وجهه ای نمی تواند در بحبوحه تولد خود دست به فعالیت ببرد مگر آن که سایه یک جمعیت متشکل دیگر باشد که تغییر نام می دهد و عملیات مخفیانه خود را آشکار و علنی به نام تازه ای ادامه می دهد. من از آن کسانی هستم که با غیرقانونی شناختن «حزب توده» مخالفم، باید اجازه بدهید این فعالیت های مخفی به صورت علنی انجام پذیرد تا مردم بدانند با چه کسی سروکار دارند. گمان می کنم در طی این هشت نه سال اخیر این مطلب را توده ای ها احساس کرده باشند که جدال ما با هیئت حاکمه متضمن سقوط مملکت و محو تاریخ ایران نیست.

ما فکر نمی کنیم که برای از بین بردن عده ای رشوه خوار و دزد و ناپاک و جاسوس باید همه گذشته های پرافتخار وطن را نیز از میان برد و مرزها را شکست و آزادی ها را خفه کرد و سنن و آداب ملی را لگدمال ساخت. ما می خواهیم که دست شرکت غاصب نفت جنوب را از راه «ملی کردن صنعت نفت در سراسر کشور، عملی کنیم و این اختلاف کلمه ای که امروز شاید به تحریک خود کمپانی بین افراطی ها و جبهه ملی پیدا شده موضوع کوچکی نیست که قابل گذشت باشد. شمال ایران و آذربایجان قابل بخشیدن نیست و هر دسته و جمعیتی که موضوع «ملی شدن نفت در سراسر کشور» را نپذیرد مبارزه او را به حساب مبارزه ملت ایران نباید گذاشت چنان که دیروز صدای هواداران «کافتارادزه» و انقلاب فریادکشان «پاشاسون پیشه وری» را هرگز نغمه ملی نخوانده و نخواهیم خواند!

#### سطح اول: توصیف

##### ۱. واژگان:

- مثبت (سفید): قوای ملی - ملت ایران - مصالح اجتماع - آزادی  
- منفی (سیاه): حس خود پرستی - دستیجات مغرور - دیکتاتوری سرخ و سیاه - کارشکنی - اوراق - گمراه - میتینگ

##### ۲. افراد و نهادهای مطرح شده در متن و نگرش متن نسبت به آنها (مثبت و منفی):

- مثبت: جبهه ملی - محمد مسعود - روزنامه خبر - مرد امروز - دانشجویان - روشنفکران - آیت الله کاشانی - روحانیون - آیت الله خوانساری  
- منفی: شرکت نفت - چپی های افراطی - وارث داری - حزب توده - دیکتاتوری سرخ و سیاه

##### ۳. قطب بندی (غیریت سازی):

- توصیف و معرفی «خود»: احساسات شور انگیز - جنگجویان - خستگی ناپذیر - شرافتمند - جسور - دانشمند - جوان - روشنفکر  
- توصیف و معرفی «دیگران»: دستگاه شیطانی - خودپرستی - دیکتاتور - چپی های افراطی - غارتگر و غاصب - رژیم پلیسی - رشوه خوار - دزد و ناپاک - جاسوس

##### ۴. استناد به ذکر شواهد:

- استناد نویسنده به اوراق چپی های افراطی  
- استناد به صحبت های دکتر مصدق در مجلس چهاردهم

<p>- استناد به تظاهرات خود جوش مردمی در شهرهای قم، کرمانشاه، همدان و ...</p>
<p><b>۵. پیش فرض‌ها:</b></p> <p>- ملی شدن نفت خواسته هر فرد ایرانی است که نمی‌خواهد شاهد رنج و ناکامی روزگار خود باشد.</p> <p>- ملی شدن صنعت نفت به معنای از بین بردن گذشته‌های پرافتخار وطن و سنن و آداب ملی نیست.</p> <p>- کسانی که موضوع "ملی شدن صنعت نفت" را نمی‌پذیرند از ملت ایران نیستند.</p>
<p><b>۶. دلالت‌های ضمنی متن (تلقین و تداعی):</b></p> <p>- مبارزه‌ای که تمام مردم شروع کرده‌اند.</p> <p>- این احساسات شور انگیز مردم را نباید تخطئه کرد.</p> <p>- در هیچ یک از شهرستان‌ها اساس میتینگ‌ها را «جبهه ملی» نریخته است.</p> <p>- این صدا از حلقوم هر فرد ایرانی پاک نژادپست که بیش از این نمی‌خواهد شاهد رنج و ناکامی و دربدری میلیون‌ها هموطن پریشان روزگار خود باشد.</p> <p>- رستاخیز تاریخی</p> <p>- دیکتاتوری سرخ و سیاه</p> <p>- جدال ما با هیئت حاکمه متضمن سقوط مملکت و محو تاریخ ایران نیست.</p>
<p><b>۷. مفاهیم «نهضت ملی شدن صنعت نفت» در متن:</b></p> <p>- فتح جهادی</p> <p>- ثروت ملی</p> <p>- رستاخیز تاریخی</p>
<p><b>۸. تلقی و استنباط از واژگان «ملی شدن صنعت نفت» و دارای مقبولیت:</b></p> <p>- تلقی و استنباط از واژگان ملی شدن صنعت نفت مثبت است. نویسند در این نوشتار از این نهضت به عنوان فتح جهادی و ثروت ملی در مقاله بکار برده است.</p>
<p><b>۹. گزاره‌های اساسی متن:</b></p> <p>- مبارزه با شرکت نفت</p> <p>- جبهه ملی</p> <p>- میتینگ مردمی بر ضد شرکت نفت</p> <p>- ملی شدن صنعت نفت</p> <p>- پشتیبانی روشنفکران و دانشجویان از این مبارزه (ملی شدن صنعت نفت)</p> <p>- روحانیون نیز در صف مبارزین قرار دارند.</p> <p>- حزبی کردن اجتماع مردم برای خراب کردن مبارزه یک ملت</p> <p>- آزادی عمل به احزاب برای شناخت آنها</p> <p>- دسیسه‌های حزب توده</p>
<p><b>۱۰. مؤلفه‌های اجماع و مورد توافق در متن:</b></p> <p>- هیچکس از در ایران پیدا نمی‌شود که خواهان قطع ایادی بیگانه از ذخایر و ثروت ملی ما نباشد.</p> <p>- ما می‌خواهیم که دست شرکت غاصب نفت جنوب را از راه «ملی کردن صنعت نفت» در سراسر کشور، قطع کنیم.</p>

**تحلیل متن و تحلیل فرامتن (تفسیر و تبیین):**

- چفت بست گفتمانی متن که حول دال مرکزی «ملی شدن صنعت نفت» تئوریزه می‌شود، نویسنده با نشان دادن حساس بود این مرحله از مبارزه با شرکت نفت سعی دارد که ملت ایران را توطئه‌های شرکت نفت خبردار کند و نشان دهد که این نهضت به دور از هر گونه حزب و حزب بازی شروع شده است و این فقط خواسته مردم است و تنها شعاری است که ملت ایران قبول دارند و همچنین نویسنده به این آگاهی سازی نیز دست می‌زند که شرکت نفت سعی دارد که با تخطئه کردن مبارزات مردم علیه شرکت نفت و نشان دادن جبهه ملی غیر از آن چیزی که هست نشان دهد.

متن همچنین تلاشی دارد که نشان بدهد این مبارزه ملت ایران بصورت کاملاً خود خوش و از دل هزاران جوان دانشمند و اصناف و کارگران در واقع دانشگاه و بازار بیرون آماده است و جبهه ملی آن را به خود اختصاص نمی‌دهد. گزاره اصلی این متن این است که نهضت ملی شدن نفت تنها خواسته مردم است که به حمایت از جبهه ملی در این مبارزه برخاسته اند. نویسنده با برجسته شمردن شخصیت‌های همچون مصدق و آیت الله کاشانی به عنوان رهبران این نهضت سعی دارد نشان بدهد که در این مبارزات هیچگونه توطئه‌ای در کار نیست و ملی شدن صنعت نفت در سراسر کشور تنها شعاری است مردم قبول دارند.

**متن دوم**

شماره مقاله	روز هفته	تاریخ نشر	عنوان سرمقاله
۴۸۲	دوشنبه	۲۸ اسفند ۱۳۲۹	چرا مطبوعات خارجی مزدور گمپانی نفت، می‌خواهند مبارزه ملت ایران را به حساب جاسوسان کمیونفرم بگذارند

**متن سرمقاله:**

گریه و زاری اکثر جراید لندن و برخی از روزنامه‌های فرانسه و امریکا روی موضوع نفت ایران خیلی خواندنی و تماشاییست.

از «تروست»های نفتی آن که در یک حلقه‌اند مطبوعات را به حرکت و جنب و جوش انداخته از بازارهای پاریس و نیویورک نیز جنجال و غوغا برخاسته است. در اخبار دیروز خواننده می‌شد که تنها در مدت بیست و چهار ساعت بیش از یک میلیون دلار به صاحبان سهام کمپانی نفت آبادان ضرر خورده است و تیر اولی که به مغز رزم‌آرا خورد بلافاصله صدی بیست و پنج ارزش سهم شرکت را پایین آورد. بدیهی است این سرمایه‌داران بزرگ نفتی در دنیا فارغ نمی‌نشینند و تمام قوای خودشان را بر ضد اقدام ملت ایران به کار می‌اندازند و یکی از حربیه‌های پوسیده و زنگ زده قدیمی ایشان اینست که روس‌ها در کار ملی شدن صنعت نفت دست داشته و این موضوع به نفع آن‌ها تمام خواهد شد و روی همین غرض‌ورزی و منفعت‌پرستی است که نیویورک تایمز نوشته بود: «... اگر استخراج منابع نفت بدین سهولت تحت نظارت پارلمان ایران درآمد از کجا که به زودی این پارلمان معاهده دیگری با مسکو امضاء نماید تا استخراج چاه‌های نفت جنوب ایران به اختیار مسکو درآید.

این پیروزی را که ملت ایران بدون زحمت به دست آورد تنها شکست انگلستان نباید دانست بلکه شکست بلوک غربی باید محسوب کرد.»

عیب کار اینست که وقتی نویسندگان خارجی قلم به دست می‌گیرند و راجع به مملکت ما می‌خواهند مطلبی بنویسند از روی تعمد و کور باطنی یادشان می‌رود که ایران در حین جنگ دوم شدیدترین مبارزات و مقاومت‌ها را

برای ندادن امتیاز نفت شمال به کار برد و وقتی آقای کافتارادزه به تهران آمد و پیشنهاد چهل و نه و پنجاه و یک درصد را همراه آورد همین مصدق لیدر اقلیت دوره چهاردهم و پیشوای جبهه ملی طرح معروف خود را روی تریبون گذاشت و به تحریکات شرکت‌های نفتی آمریکایی و درخواست شوروی‌ها خاتمه داد.

در آن ایام یک فراکسیون هشت نفری حزب «توده» در مجلس بود که وقتی شنید کمپانی‌های آمریکایی خیال پیشنهاد دارند یکی از وکلای این فراکسیون در روز نوزدهم مرداد ۱۳۲۳ نطقی در جلسه علنی ایراد کرده ضمن آن چنین گفت: «... بنده با رفقایم با دادن امتیازات به دولت‌های خارجی به طور کلی مخالفیم همانطوری که ملت ایران توانست راه‌آهن را خودش احداث کند بنده یقین دارم که با کمک مردم و با سرمایه داخلی ما می‌توانیم تمام منابع ثروت این مملکت را استخراج کنیم...» همین ناطق پس از توضیحات نخست وزیر وقت مجدداً اظهار داشت: «خوب بودن نظر مجلس خواسته می‌شد که آیا مجلس شورای ملی یعنی مجلس چهاردهم موافق با دادن امتیازات به دولت‌های خارجی هست یا نه؟ پس از آن که جلب نظر مجلس را می‌کردند وارد هرگونه مذاکره می‌شدند.»

تمام این صحبت‌ها از این نظر بود که حزب «مخالف استعمار» شنیده بود امریکائی‌ها به نفت بلوچستان نظر پیدا کرده‌اند ولی دو ماه بعد ورق به کلی عوض شد یعنی در اواخر شهریور ماه ۱۳۲۳ کمیسیونی از طرف دولت شوروی تحت ریاست آقای «س.ی. کافتارادزه» معاون کمیساریای ملی امور خارجه شوروی سوسیالیستی به ایران آمد. کمیسیون مزبور مسافرتی هم به شمال نموده نواحی نفت خیز را مورد بررسی قرار داد و با ساعد نخست وزیر وقت نیز مذاکراتی کرد.

آقای ساعد در یکی از جلسات اواخر مهرماه پارلمان حاضر شده و جریان امر را به استحضار مجلس رسانید و تلویحاً عدم آمادگی دولت را برای مذاکرات امتیاز نفت متذکر شد چند روز بعد یک کنفرانس مطبوعاتی در سفارت شوروی تشکیل شد و آقای کافتارادزه صریحاً گفت که: «... دولت اتحاد جماهیر شوروی در نظر دارد امتیاز نواحی «آذربایجان شمالی» و «گیلان» و «مازندران» و قسمتی از ناحیه سمنان و چند ناحیه از خراسان شمالی (شمال قوچان) را تحصیل نماید...»

مصاحبه مطبوعاتی سفارت شوروی سه شنبه دوم آبان انجام گرفت و روز جمعه پنجم آبان ۱۳۲۳ میتینگ «حزب توده» در پایتخت به نفع امتیاز نفت شمال داده شد. این میتینگ سیار که با شرکت «شورای متحده مرکزی» اجرا شد چند کامیون از سربازان مسلح شوروی را نیز همراه داشت.

شعارهایی که از طرف میتینگ دهندگان داده می‌شد غالباً برعلیه دولت و بر له درخواست «کافتارادزه» برای تحصیل امتیاز نفت بود. اگر کسی بخواهد تاریخ شکست قطعی «حزب توده» را یادداشت کند نباید روز جمعه پنجم آبان ۱۳۲۳ را از یاد ببرد.

زیرا تا آن روز جماعتی که با الفاظ بازی می‌کردند و ادعای وطن‌خواهی داشتند و جان درراه زحمتکش‌شان بگرو می‌گذاشتند و با حرف برضد «استعمار» می‌جنگیدند پرده از بهره خویش بر گرفتند و همان‌ها که دو ماه پیش گفته بودند: «با دادن امتیازات به دولت‌های خارجی به کلی مخالفیم»

وقتی پای روس‌ها به میان آمد حتی به انتحار سیاسی تن دادند و در روزنامه «رزم» تاریخ بیست و یکم آبانماه تحت عنوان «به موقع آمدند» نوشته شد: «... وقتی از آن طرف آن‌ها تقاضای امتیاز می‌کنند دولت شوروی که همسایه ما است چرا نکند؟» و چون آقای مصدق گفته بود که «جناب آقای کافتارادزه دیر تشریف آورده و زود می‌خواهند تشریف ببرند» روزنامه ارگان حزب «ضداستعمار» در جواب نوشت:

«آقای مصدق بنابراین اگر آقای کافتارادزه از لحاظ خودش دیر تشریف آوردند از لحاظ مصالح کشور ایران خیلی به موقع آمدند...!»

مصدق ضمن نطق تاریخی و مهم خود در هفتم آبان ماه ۱۳۲۳ در جواب به درخواست «کافتارادزه» اظهار داشت:



«آن‌ها که طالب ترقی و تعالی میهن خود هستند با هر سیاستی در مصالح وطن نیست مبارزه می‌کنند...» ما باید همان سیاستی را پیروی کنیم که نیاکان ما می‌کردند، اگر معلومات آنها قدر ما نبود ایمانشان از ما بیشتر بود و به همین جهت توانستند که متجاوز از یک قرن ملت را بین دو سیاست حفظ کنند و برای ما ذخایری بگذارند که امروز مورد توجه و نظر جمع شود...

ملت ایران آرزومند «توازن سیاسی» است یعنی توازنی که در نفع مملکت شد و آن توازن «منفی» است. ملت ایران هیچ‌وقت با توازن مثبت موافقت نمی‌کند و از اولین روزی که من وارد مجلس شدم با قرارداد مالی و هر عملی که دولت‌های بعد از شهریور از نظر «توازن مثبت» رأی داده بودند مخالفت کردم.

اگر از نظر «توازن مثبت» هر چه دول مجاور می‌خواهند بدهیم پر واضح است که دول مجاور بسیار خوشوقت می‌شوند و دولت‌های خائن هم خوشوقتی آن‌ها را برای خود سرمایه بزرگی قرار می‌دهند و آن را به رخ ملت می‌کشند ولی ملت می‌داند که با این رویه طولی نخواهد کشید که هر چه دارد از دست بدهد...»

در همین نطق مصدق معایب قرارداد ۱۹۳۳ و غارتگری کمپانی آبادان را به طور مشروح بیان کرده و به شدت به این کانون انتریک و دسیسه و جنایت حمله برده است دنباله مبارزه لیدر اقلیت در مورد درخواست امتیاز اجانب بدانجا منتهی شد که روز یازدهم آذر ۱۳۲۳ دومین نطق خود را ایراد کرد و در این نطق گفت:

«... زمامداران اتحاد جماهیر شوروی باید از عدل و انصاف دور نشوند و با ملت ضعیفی مثل ما همانطوری که تاکنون خوب رفتار کرده‌اند باز هم رفتار نمایند.» و نیز در همین بیان تاریخی بود که جمله معروف و مشهور خویش را برای اولین مرتبه پشت تریبون به زبان آورد:

«... هرگاه ما تعقیب از سیاست مثبت کنیم باید امتیاز نفت شمال را هم برای مدت ۹۲ سال بدهیم و به این طریق موازنه سیاسی برقرار کنیم گذشته از اینکه ملت ایران برای همیشه و اکنون مجلس با این کار موافق نیست و دادن امتیاز مثل اینست که مقطوع الیدی برای حفظ موازنه راضی شود که دست دیگر او را هم قطع کنند در صورتی که هر مقطوع الیدی برای حفظ ظاهر هم که باشد طالب دست مصنوعی است و آن مقطوع الیدی که بخواهد مقطوع الیدن بشود خوب است خود را از مذلت زندگی خلاص و قبل از اینکه یدثانی او قطع شود انتحار کند!»

دنباله صحبت مصدق طرح او دائر به تحریم مذاکره امتیاز با کمپانی‌های خارجی به اتفاق آرا به استثنای وکلای فراکسیون «توده» به تصویب رسید و از فردای آن روز سیل دشنام و ناسزا را روزنامه‌های بادکوبه‌ای چاپ تهران به سوی لیدر اقلیت روانه کردند و گفتند و نوشتند که شرکت نفت جنوب بیش از همه کس از این ماجرا متمتع می‌شود. چنان‌که در این دوره هم از روزی که مبارزه برای «ملی کردن صنعت نفت در سرتاسر کشور آغاز شده تا امروز «توده‌ای‌ها» جز کارشکنی، تحریک، فحاشی و تخریب کار دیگری به نفع مملکت صورت نداده‌اند و فردای آن روزی که «جبهه ملی» موفق شد ریشه کمپانی آبادان را به آتش بکشد «پیشتازان خلق» در میتینگ سوگواری برای «شرکت» هنوز «الغاء قرارداد» را مطالبه می‌کردند و یک جاسوس مارک‌دار در آنجا اوراقی را که مملو از هتاک و فحش به جبهه ملی بود پخش می‌نمود.

«نیویورک تایمز» از این جهت مبارزه ملت ایران را به حساب «مسکو» می‌گذارد که افکار عمومی دنیا را برضد ما تحریک کند و از منافع یک دستگاه دزد و چپاولچی حمایت کرده باشد و گرنه همه می‌دانند که پیشتازان مخالف استعمار مثل جاروکش‌های در سفارت‌خانه‌های اجنبی در موقع نفت کافتارادزه در پناه مسلسل‌های بیگانه در خیابان‌های تهران راه افتادند و هنوز هم از ملی شن «آن» بحث می‌کنند.

در صورتی که تصمیم مجلس «این» را نیز که عبارات از نفت «خوریان» باشد شامل خواهد شد. ملی شدن صنعت نفت تمام آشیانه‌های جاسوسی و مزدوری را واژگون ساخت و هواخواهان ایجاد دیکتاتوری سرخ و سیاه برای اولین بار پس از دوسه قرن در برابر اراده ملت و افکار عمومی به زانو آمدند و مطبوعات آنگلوآمریکن و موافقین فرانسوی

<p>آن‌ها بیهوده تلاش می‌کنند که ذهن دنیا را مشوب نمایند زیرا تمام آن‌ها که بی‌غرض هستند به حقایق کاملاً واقفند.</p>
<p><b>سطح اول: توصیف</b></p>
<p><b>۱. واژگان:</b></p> <p>- مثبت (سفید): ملت ایران- وطن خواهی- توازن منفی- افکار عمومی- ملی شدن صنعت نفت- ترقی و پیشرفت</p> <p>- منفی: غرض ورزی- منفعت پرستی- استعمار- توازن مثبت- سیاست مثبت- دشنام و ناسزا- کارشکنی- فحاشی</p>
<p><b>۲. افراد و نهادهای مطرح شده در متن و نگرش متن نسبت به آن‌ها (مثبت و منفی)</b></p> <p>- مثبت: ملت ایران- مصدق- جبهه ملی</p> <p>- منفی: جراید لندن- روزنامه‌های فرانسه و آمریکا- کمپانی نفت آبادان- رزم آرا- نویسندگان خارجی- کافتارادزه- آمریکا- شوروی- حزب توده- ساعد- روزنامه رزم</p>
<p><b>۳. قطب‌بندی (غیریت سازی):</b></p> <p>- توصیف و معرفی «خود»: ملت ضعیف- مبارز- زحمتکش- عدالت خواه- استعمارگریز</p> <p>- توصیف و معرفی «دیگران»: تعمد و کور باطنی- خائن- غارتگر- دزد- جاسوس- استعمارگر</p>
<p><b>۴. استناد به ذکر شواهد:</b></p> <p>- استناد به نیویورک تایمز</p> <p>- استناد به وکلای فراکسیون حزب توده در روز نوزدهم مرداد ۱۳۲۳</p> <p>- اسناد به روزنامه رزم</p> <p>- استناد به سخنان دکتر مصدق</p>
<p><b>۵. پیش فرض‌ها:</b></p> <p>- مطبوعات خارجی از این جهت مبارزه ملت ایران را به حساب «مسکو» می‌گذارد که افکار عمومی دنیا را برضد ما تحریک کند.</p> <p>- ملی شدن صنعت نفت تمام آشیانه‌های جاسوسی و مزدوری را واژگون ساخت.</p>
<p><b>۶. دلالت‌های ضمنی متن (تلقین و تداعی):</b></p> <p>- یکی از حرب‌های پوسیده و زنگ زده قدیمی ایشان اینست که روس‌ها در کار ملی شدن صنعت نفت دست داشته.</p> <p>- اگر کسی بخواهد تاریخ شکست قطعی «حزب توده» را یادداشت کند نباید روز جمعه پنجم آبان ۱۳۲۳ را از یاد ببرد.</p> <p>- ادعای وطن خواهی داشتند و جان در راه زحمتکشان بگرو می‌گذاشتند و با حرف برضد «استعمار» می‌جنگیدند.</p> <p>- آن مقطوع الیدی که بخواهد مقطوع الیدن بشود خوب است خود را از مذلت زندگی خلاص و قبل از اینکه یدثانی او قطع شود انتحار کند.</p>
<p><b>۷. مفاهیم «نهضت ملی شدن صنعت نفت» در متن:</b></p> <p>- حق مردم</p>
<p><b>۸. تلقی و استنباط از واژگان «ملی شدن صنعت نفت» و دارای مقبولیت:</b></p>

<p>- در این متن استنباط و تلقی نویسنده از ملی شدن نفت مثبت و به معنای حق مردم و پیشرفت و آبادانی مهین بکار برده شده است.</p>
<p><b>۹. گزاره‌های اساسی متن:</b></p> <p>- توطئه چینی مطبوعات خارجی علیه نهت ملی شدن نفت</p> <p>- نهضت ملی شدن نفت خواست ملت ایران است نه کشور روس</p> <p>- توطئه و کارشکنی‌های حزب توده</p>
<p><b>۱۰. مؤلفه‌های اجماع و مورد توافق در متن:</b></p> <p>- مبارزه با استعمار</p> <p>- ندادن امتیاز نفت</p> <p>- استخراج سرمایه داخلی با کمک مردم</p>
<p><b>تحلیل متن و تحلیل فرامتن (تفسیر و تبیین):</b></p> <p>- گفتمان حاکم بر متن با بیان نقشه و توطئه‌های جراید لندن و روزنامه‌های فرانسه و آمریکا در مبارزات مردم ایران برای نهضت ملی شدن نفت با بیان اینکه روس‌ها در کار ملی شدن صنعت نفت در ایران نقش دارند گزاره-های اصلی متن را مشخص می‌کند. نویسنده متن با ذکر روایت‌های تاریخی در زمان جنگ جهانی دوم برای ندادن امتیاز نفت شمال به روسیه سعی در فاش کردن توطئه‌های مطبوعات خارجی در جریان ملی شدن صنعت نفت دارد. و مطبوعات را کوباطنایی معرفی می‌کند که از تاریخ ایران و مبارزات مصدق برای ندادن امتیاز به آمریکاییها و شوروی بی‌خبرند.</p> <p>نویسنده متن با ذکر روایت‌های تاریخی گذشته از نقش و خیانت حزب توده در دادن امتیاز نفت شمال به شوروی سعی دارد که توطئه‌های مطبوعات خارجی مبنی بر کونسیت خواندن نهضت ملی نفت و نقش شوروی در این نهضت را خنثی سازد و نشان دهد که ملت ایران به هیچ اجنبی چه شوروی و چه انگلستان امتیاز نمی‌دهد و خود خواسته و خود جوش خواستار ملی شدن صنعت نفت است. و با ملی شدن صنعت نفت به تمام آشیانه‌های جاسوسی و مزدوری و دیکتاتوری سرخ و سیاه پایان داده است.</p>

### نتیجه‌گیری

نحوه بازتاب نهضت ملی شدن نفت در سرمقاله روزنامه *باختر/امروز* ریشه در گفتمان حاکم بر این روزنامه دارد. گفتمان مسلط این روزنامه از جبهه ملی تغذیه می‌شود. در واقع این جبهه ملی بود که گفتمان ملی شدن نفت را آغاز و اعلام کرد و از نفت به عنوان حق مردم و ثروت مردم یاد کرد. در این بین، حسین فاطمی، مسئول روزنامه *باختر/امروز* نیز با مشخص کردن توطئه‌های کمپانی شرکت نفت در غارت این ثروت ملی به مبارزه برخاست و نقش رهبری افرادی همچون آیت‌الله کاشانی و مصدق در این نهضت را برجسته ساخت. حسین فاطمی در سرمقاله خود با اقتصاد واژگان حاکم بر متن فهماند موضع (ملی شدن صنعت نفت) به عنوان حق مردم و ثروت کشور در بازتاب نهضت ملی شدن صنعت نفت نقش بسزای دارد؛ و ملت ایران را از غارت نفت توسط افراد خیانتکار داخلی و کمپانی نفت هوشیار ساخت. مفاهیمی که از ملی شدن صنعت

نفت در روزنامه *باختر/امروز* مدنظر است، علاوه بر منافع ملی، درآمد ملی و کلید اقتصاد، حول مضامینی چون حق مردم، حقوق ملی، ثروت ملت و قانون و آزادی و عدالت و دموکراسی نیز می‌گردد و در این روزنامه از نهضت ملی شدن صنعت نفت به عنوان رستاخیز تاریخی، نهضت آزادی و کودتای نفتی نام برده می‌شود. می‌توان گفت مفاهیم فوق حول دال مرکزی گفتمان جبهه ملی که همان اعاده حق مردم است، شکل گرفته و مفاهیمی که درباره کمپانی شرکت نفت به کار برده شده است، حول گفتمان استعمار می‌گردد. راهی را که گفتمان روزنامه *باختر/امروز* برای تحقق ملی شدن صنعت نفت ترسیم می‌کند، از خلال مبارزه جهادی و کودتای نفتی می‌گذرد. تا جائیکه که ملی شدن صنعت نفت ذیل واژه‌هایی مانند دموکراسی، عدالت، قانون و حق حاکمیت تثویز می‌کند. ملی شدن صنعت نفت در گفتار روزنامه *باختر/امروز* حول حق مردم، ثروت ملی، حقوق ملی، عدالت و استقلال - آزادی می‌چرخد و در چارچوب قانون باید این حقوق به رسمیت شناخته شود؛ لذا «دیگری» در روزنامه *باختر/امروز* دشمنان، جاسوسان، خیانتکاران و استعمارگرانی هستند که ثروت ملی ایران را به غارت برده‌اند. در واقع آنچه روزنامه *باختر/امروز* درباره ملی شدن نفت ترسیم می‌کند، مانع‌تراشی هیأت حاکمه و شرکت ملی نفت در برابر تحقق این امر مهم (ملی شدن نفت) است که آن‌ها را به عنوان خون‌آشام، خیانتکاران، غارتگر، غاصب و استعمارگر توصیف می‌کند.

## منابع

- آوری، پیتیر (۱۳۶۸)، تاریخ معاصر ایران، ج ۲ از سلسله پهلوی تا کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، تهران: انتشارات عطائی
- برزین، مسعود (۱۳۷۱)، شناسنامه مطبوعات ایران از ۱۳۱۵ تا ۱۳۵۷ شمسی، تهران: انتشارات بهجت
- بهروز، مازیار (۱۳۸۰)، شورشیان آرمان خواه یا ناکامی چپ در ایران، تهران: ققنوس
- بیل، جیمز (۱۳۷۱)، شیر و عقاب، ترجمه فروزنده برلیان، تهران: نشر فاخته
- تقی زاده انصاری، محمد (۱۳۷۹)، سیاست خارجی و توسعه صادرات مواد معدنی در ایران، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- جامی، گروه تحقیق (۱۳۶۷)، گذشته چراغ راه آینده است، به کوشش علی دهباشی، تهران: آبی
- ذوقی، ایرج (۱۳۷۴)، مسائل و اقتصادی نفت ایران، چاپ چهارم تهران: انتشارات پازنگ
- شهبازی، عبدالله (۱۳۷۱)، ظهور و سقوط پهلوی، جلد ۲، تهران: اطلاعات تهران
- صدراشمی، محمد (۱۳۶۲)، تاریخ جراید و مجلات ایران، اصفهان: کمال
- علم، مصطفی (۱۳۷۷)، نفت و قدرت و اصول ملی شدن نفت در ایران و پیامدهای آن، ترجمه غلامحسین بهمنیار، تهران: چاپخش
- فاتح، مصطفی (۱۳۵۲)، پنجاه سال نفت ایران، تهران: نشر چهر
- فوران، جان (۱۳۷۷)، مقاومت شکننده، تاریخ تحولات اجتماعی ایران از صفویه تا سالهای پس از انقلاب اسلامی، تهران، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه رسا
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۷۸)، مصدق نفت و نبرد قدرت، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا
- گایوروسکی (۱۳۶۸)، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، ترجمه غلامرضا نجاتی، تهران: رسا
- گایوروسکی، مارک و دیگران (۱۳۸۴)، مصدق و کودتا، ترجمه علی مرشدی زاد، تهران: قصید سرا
- لوئیس، ویلیام و بیل، جیمز (۱۳۶۸)، مصدق، نفت، ناسیونالیسم ایرانی، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و کاوه بیات، تهران: نشر نو
- میرترابی، سعید (۱۳۸۴)، مسائل نفت ایران، تهران، نشر قومس

- نجاتی، غلامرضا (۱۳۷۷)، **مصدق سال‌های مبارزه و مقاومت**، ۲ جلد، تهران: انتشارات رسا
- نجمی، ناصر (۱۳۷۷)، **مصدق بر مسند حکومت**، تهران: پیکان